

تحولات فضایی روستاهای پیرامون شهر با تأکید بر تعامل روستا - شهری (مورد: روستاهای پیرامون شهر نورآباد ممسنی)^۱

دکتر رحمت الله منشی زاده* - استادیار گروه جغرافیای دانشگاه شهید بهشتی تهران
مظفر صادقی - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه شهید بهشتی تهران

دریافت مقاله: ۸۹/۷/۱۸

پذیرش نهایی: ۸۹/۹/۲۵

چکیده

آشکار است که در شکل‌پذیری و تحول سکونتگاه‌های روستایی، مجموعه عوامل و نیروهای متفاوت و متنوعی نقش آفرین هستند، اما همه آنها به نوعی متأثر از تعامل و ارتباط دو عرصه سکونت (شهر و روستا) با یکدیگر می‌باشند. بر این اساس، تحقیق حاضر به دنبال بررسی تحولات فضایی سکونتگاه‌های روستایی پیرامون شهر نورآباد ممسنی، کمیت و کیفیت تغییرات، علل و عوامل بوجود آورنده و به طور کلی تأثیرگذاری‌های حاصل از تعامل با شهر نورآباد بر روند تحولات فضایی این سکونتگاه‌های روستایی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تا کنون می‌باشد. جمعیت‌پذیری و تغییرات معیشتی این روستاها به همراه رشد سریع شهر نورآباد طی سه دهه اخیر سبب شده است که، سکونتگاه‌های روستایی واقع در حاشیه و پیرامون شهر در معرض تحولات فضایی وسیعی قرار گیرند. به نحوی که برخی از روستاهای پیرامونی در معرض خطر استحاله و فرو رفتن در بافت و کالبد شهر قرار گرفته‌اند و دگرگونی‌های فضایی و ساختاری زیادی به خود دیده‌اند و یا این که پاره‌ای از این روستاها به دلیل به دلیل برخورداری از شرایط دیگر، به نحو متفاوتی دچار تحول گردیده‌اند که از مهمترین موارد آن می‌توان تغییرات در قیمت اراضی، تغییر در الگوی مسکن، تغییرات زیست محیطی، تحولات اجتماعی و تغییر در عملکردهای این سکونتگاه‌ها را نام برد.

واژگان کلیدی: تحولات کالبدی - فضایی، سکونتگاه‌های روستایی، تعامل روستا - شهری، نورآباد ممسنی

E-mail: musaabedini@yahoo.com

*نویسنده مسئول:

۱. مقاله حاضر مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد می‌باشد که با همکاری دفتر آموزش و توسعه منابع انسانی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی به انجام رسیده است.

۱. مقدمه

سکونتگاه‌های روستایی فضاهای جغرافیایی و یا چشم‌اندازهای مکانی-فضایی حاصل از برآیند مجموعه عوامل و نیروهای چشم‌انداز طبیعی و چشم‌اندازهای فرهنگی هستند. به عبارت دیگر، سکونتگاه‌های روستایی به عنوان پدیده‌های جغرافیایی نمود عینی و فضایی عوامل طبیعی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. در این ارتباط فضاهای روستایی به عنوان نوعی چشم‌انداز جغرافیایی حاصل توزیع فضایی عناصر و پدیده‌ها در بخشی از فضای جغرافیایی است که شکل‌گیری و تحول آنها متأثر از روابط و مناسبات میان ساخت‌های جغرافیایی است (سعیدی، ۱۳۸۴: ۱۳). در کشور ما در گذر زمان با توجه به شرایط محیطی، شیوه‌های معیشتی، نظام‌های سیاسی حاکم، میزان برخورداری از دانش و تکنولوژی، روابط و مناسبات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و ... اشکال کاملاً متفاوتی از سکونتگاه‌های روستایی در زمان‌ها و مکان‌های مختلف شکل گرفته است. نظام فضایی روستایی با توجه به بستر محیطی - اکولوژیک و به ویژه خصوصیات اجتماعی-اقتصادی خود دارای ساختار معینی است که مبین توانمندی‌های بنیادی و استعدادهای بالقوه و بالفعل آن است و به نوبه خود عملکردهایی را امکان‌پذیر می‌سازد (سعیدی، ۱۳۸۱: ۱۱۶)

از سوی دیگر، میان شهر و روستا از دیرباز روابط متقابلی وجود داشته است که بر حسب شرایط گوناگون جغرافیایی، تاریخی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در مکان‌ها و زمان‌های گوناگون تفاوت‌هایی را چه از نظر شکل و چه از نظر محتوا نشان داده است. آشکار است که در شکل‌پذیری و تحول سکونتگاه‌های روستایی مجموعه عوامل و نیروهای متفاوت و متنوعی نقش آفرین هستند، اما میزان تأثیرگذاری هر یک از آنها در عرصه‌های مختلف سرزمین یکسان نبوده و نیست. جوامع روستایی در ابتدا متأثر از عناصر و عوامل داخلی بوده‌اند و به علت ضعف در ارتباط و تعامل با دیگر سکونتگاه‌ها اعم از شهری و روستایی، عوامل خارجی نقش کمتری را در تحولات فضایی روستاها داشته است. با این حال، تحولاتی که از ابتدای قرن جاری در سکونتگاه‌های روستایی و شهری بوقوع پیوسته، به همراه تنوعات فراوان در نظام جغرافیایی سرزمین منجر به روند توسعه ناهمگن در توزیع جمعیت، فعالیت و امکانات میان حوزه‌های شهری و روستایی شده است. در کشور ما رشد شتابان شهرنشینی در سال‌های اخیر و متعاقب آن، تغییر و تحولات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی به همراه شکل‌گیری و گسترش جابجایی‌های جمعیتی و به ویژه مهاجرت‌های روستا - شهری، موجب تغییر و تحولات ساختاری و کالبدی-فضایی وسیع در فضاهای انسانی اعم از روستاها و شهرها گردیده است. این مسئله نه تنها، تأثیرات گوناگونی را بر فضاهای روستایی در ابعاد مختلف کالبدی-فضایی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی برجای گذاشته است بلکه موجب تغییراتی در

نظام‌های شهری و مسائل و نیازهای آنها گردیده است. مهاجرت‌های شدید روستا-شهری، متروکه شدن پاره‌ای روستاها و گسترش کالبدی - فضایی برخی دیگر، تغییرات و تحولات نظام روابط و مناسبات روستا - شهری، تغییرات کاربری اراضی در سکونتگاه‌های روستایی، بویژه روستاهای پیرامون شهرها و ... را می‌توان نمود عینی و فضایی چنین تغییراتی دانست. بنابراین در طول زمان با توجه به مجموع عوامل مذکور، سکونتگاه‌های روستایی دچار تغییر و تحول می‌گردند.

روستاهای مورد مطالعه این تحقیق که در بخش مرکزی شهرستان ممسنی واقع شده‌اند، در دو دهه گذشته با تغییرات فضایی وسیعی مواجه بوده‌اند. به نحوی که برخی روستاها در مسیر گسترش فیزیکی شهر نورآباد قرار گرفته و از نظر ساختار فیزیکی و فضایی به کلی دگرگون گردیده و در آن ادغام شده‌اند و برخی دیگر نیز به دلایل گوناگون در مسیر رشد و تحول قرار نگرفته‌اند و یا به نحوی متفاوت دست به توسعه فضایی زده‌اند. تغییر ساختار معیشت روستایی از کشاورزی به فعالیت‌های غیرکشاورزی، تغییر الگوهای مصرف، تغییرات قیمت اراضی، کاهش محصولات تولیدی و سطح زیر کشت، تغییر الگوی کشت، تغییر در طرز نگرش‌ها، هنجارها، رفتارها، الگوهای تحرک اجتماعی و مشارکت را می‌توان تنها برخی از ابعاد تحولات روستاهای مورد مطالعه در دهه‌های اخیر دانست.

تحقیق حاضر به دنبال بررسی تحولات فضایی روستاهای پیرامون شهر نورآباد ممسنی، کمیت و کیفیت تغییرات، علل و عوامل وجود آورنده و به طور کلی تأثیرگذاری‌های حاصل از گسترش شهر نورآباد بر روند تحولات فضایی سکونتگاه‌های روستایی پیرامون این شهر می‌باشد که برای نیل بدین مقصود، این پرسش‌ها مطرح گردیده‌اند که ؛

الف) علل اصلی و روند تحولات فضایی روستاهای پیرامون شهر نورآباد ممسنی چگونه اتفاق افتاده است؟

ب) نحوه و دامنه تأثیرگذاری تحولات شهر نورآباد بر روند توسعه فضایی روستاهای پیرامون چگونه بوده است؟

در راستای سؤالیهای فوق، فرضیه‌هایی بدین شرح مطرح شده که (۱) شهرگرایی و تغییر در نوع معیشت از عوامل اصلی تحولات فضایی روستاهای پیرامون شهر نورآباد بوده و (۲) میزان تغییرات در روستاهای مورد مطالعه متأثر از فاصله روستاها از شهر نورآباد و میزان دسترسی آنها به شهر بوده است.

۲. مواد، روش‌ها و جامعه آماری

پژوهش حاضر در دو مرحله انجام گردیده است. مرحله اول که مربوط به بخش نظری تحقیق می‌گردد به شیوه کتابخانه‌ای- اسنادی بوده است که با استفاده از کتاب‌ها، مقالات و سایر منابع اطلاعاتی موجود صورت گرفته است. بخش دیگر کار، به شیوه مشاهدات مستقیم و بازدیدهای میدانی بوده است که با استفاده از پرسش‌نامه، مصاحبه و مشاهدات عینی اطلاعات مورد نیاز اخذ و به کمک نرم افزار Spss مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در این تحقیق، کلیه روستاهای واقع در پیرامون شهر نورآباد، جامعه آماری تحقیق را تشکیل می‌دهند. شهر نورآباد در بخش مرکزی شهرستان ممسنی واقع گردیده است. طبق سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵، بخش مرکزی شهرستان ممسنی متشکل از یک نقطه شهری، ۵ دهستان و ۲۱۳ نقطه روستایی بوده است که مجموعاً جمعیتی در حدود ۹۷/۲۰۶ نفر را در خود جای داده است. از این میان، ۱۹ روستای این بخش که پیرامون شهر قرار گرفته اند و به عبارت دیگر تمامی روستاهای پیرامون شهر، به عنوان جامعه آماری تحقیق انتخاب شده‌اند (جدول ۱).

جدول ۱. جامعه آماری تحقیق

ردیف	جمعیت	خانوار	آبادی	ردیف	آبادی	جمعیت	خانوار
۱	۹۳	۲۱	خومه زارعلیا	۱۱	سنگرسفلی	۲۵۳	۵۱
۲	۵۵۶۸	۱۲۶۳	خومه زارسفلی	۱۲	سنگرعلیا	۷۱	۱۳
۳	۴۰۲	۸۲	تل ریزی عالیوند	۱۳	قلعه پیرو	۶۳۹	۱۳۴
۴	۴۴۸	۱۰۱	تل سیاه	۱۴	گاوشاخی	۱۲۶	۲۹
۵	۲۳۰	۵۰	مشتگان	۱۵	سراب بهرام	۴۲۳	۸۲
۶	۱۱۵۸	۲۵۵	گچگران	۱۶	باجگاه	۹۷۵	۲۱۸
۷	۶۴۷	۱۰۰	شهرک گچگران	۱۷	حجت اباد	۱۹۱	۴۶
۸	۱۸۲	۳۹	اییان	۱۸	رازیانه کاری	۱۰۵۲	۲۳۷
۹	۱۶۳	۳۱	اسلام اباد	۱۹	شیراسپاری	۵۵۶	۱۲۷
۱۰	۱۳۴	۳۰	رودریا	جمع کل		۱۳۳۱۱	۲۹۰۹

مأخذ: سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۸۵

برای مطالعه و بررسی دقیق تحولات فضایی روستاهای مورد مطالعه، دو نوع پرسش‌نامه (پرسش‌نامه روستا و پرسش‌نامه خانوار) طراحی و تدوین گردید. که پرسش‌نامه خانوار در تمامی ۱۹ روستا (برای هر روستا یک پرسش‌نامه) توزیع گردید، اما برای گردآوری اطلاعات خانوار به علت تعداد بالای خانوارها از روش نمونه‌گیری استفاده گردید. که حجم نمونه ($n=313$) با استفاده از فرمول کوکران تعیین شد و این تعداد پرسش‌نامه، با

توجه به اندازه جمعیتی هر روستا و با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده میان خانوارها توزیع گردید.

۳. مبانی نظری

هرچند روابط و تعاملات میان شهر و روستا را نمی‌توان بسادگی و بر اساس الگوهای نظری از پیش تعیین شده تبیین و تفسیر نمود، اما آگاهی از بنیان‌های نظری و الگوهای موجود در زمینه روابط و مناسبات شهر و روستا می‌تواند یاریگر محقق در درک بهتر این گونه روابط باشد. در زمینه مباحث مربوط به روابط متقابل شهر و روستا در کشور ما مدل‌ها و نظریات گوناگون و گاه متناقضی ارائه شده است. به طور کلی مطالعات پیشین در زمینه روابط شهر و روستا در کشور ما گویای روابط نابرابر میان این دو فضای سکونتی است که طی آن درآمد و عواید حاصل از روابط تولیدی روستاها بتدریج به مراکز شهری انتقال می‌یافته است. که در این جا فقط به ذکر نظریات مکان مرکزی، مرکز - پیرامون و سرمایه‌داری بهره‌بری می‌پردازیم؛

نظریه مکان مرکزی به عنوان یکی از مؤثرترین تئوری‌های جغرافیای نظری و تحلیل‌های اقتصاد فضا مطرح گردیده است. مکان‌های مرکزی، مراکزی‌اند که فعالیت‌های تولیدی به منظور تولید و عرضه کالا و خدمات در آن جا متمرکز است. هدف اصلی نظریه مکان مرکزی، شرح و تبیین سازمان فضایی سکونتگاه‌ها و حوزه نفوذ آنهاست. کریستالر متوجه شد که رابطه مشخصی بین اندازه شهر و تعداد شهرهایی که در آن طبقه از اندازه شهر قرار دارند، وجود دارد و بالاخره، برای پی بردن به اندازه شهر، باید در مورد تمام کالاها و یا خدماتی که در آن شهر تولید و عرضه می‌شود، اطلاعاتی داشت. هر شهر که در هر طبقه اندازه‌ای خاصی قرار دارد، تمام کالاها و خدماتی را که شهرهای کوچک تر عرضه می‌کنند به علاوه کالاها و خدمات بیشتری که به بازار بزرگتری احتیاج دارند، تولید و عرضه می‌کند (سعیدی، ۱۳۸۸: ۱۸). در مدل مکان مرکزی درجه مرکزیت هر شهر به وسیله جایگاه و اهمیت آن در نظام سلسله مراتب سکونتگاهی تعیین می‌شود، بدین ترتیب که شهرهایی که در سطح بالاتری قرار دارند، دارای جمعیتی بیشتر و منطقه نفوذی بزرگ تری هستند. بنابراین هرچه میزان تولید کالا و خدمات از سوی یک سکونتگاه برای رفع نیازهای جمعیت خود و سکونتگاه‌های اطراف بیشتر باشد، جایگاه و اهمیت آن سکونتگاه در نظام سلسله مراتب سکونتگاهی نیز بالاتر خواهد بود. نکته قابل توجه این است که در هر حال تمامی کارکردهای

مکان‌های سطوح پایین‌تر در مکان‌های سطوح بالاتر ارائه می‌گردد (King, 1984, p34). بنابراین، تئوری مکان مرکزی، برای بهبود عملکردهای نظام سکونتگاهی و خدمات رسانی بهتر به مراکز سکونتی، بر شکل‌گیری سلسله مراتبی از سکونتگاه‌های متکی به مکان‌های مرکزی تأکید دارد.

یکی دیگر از مدل‌های کاربردی و مهم در باب تعامل شهر و روستا مدل مرکز - پیرامون می‌باشد که اساساً بر نظریات پربیش (۱۹۵۹) درباره توسعه نیافتگی کشورهای جهان سوم استوار است (سعیدی، ۱۳۸۴: ۱۰۵). این مدل ما را در توضیح این که چرا برخی نواحی داخلی شهر از شکوفایی قابل ملاحظه‌ای برخوردارند، در حالی که دیگر نواحی نشانگر تمامی نشانه‌های محرومیت و فقر شهری‌اند، یاری می‌نماید. خدمات، سرمایه‌گذاری و مشاغل در بخش تجاری مرکزی هسته متمرکز می‌باشند، در حالی که نواحی پیرامونی ممکن است از اثر رخنه به پایین هسته سود ببرند. برای مثال در جریان روزانه کارگران از پیرامون به مرکز را می‌توان چنین اثری را مشاهده کرد. تمرکز جمعیت، امکانات، خدمات و کارکردهای متنوع در مرکز سبب می‌گردد جمعیت نواحی پیرامونی برای رفع نیازهای خویش به آنجا مراجعه کنند، که این امر بر مرکزیت، قدرت و تسلط مرکز می‌افزاید (Friedman, 1966: p4). مطابق این مدل، دو جزء اصلی نظام سکونتگاهی عبارتند از: مرکز، به‌عنوان کانون قدرت و سلطه و پیرامون، به‌عنوان جزء وابسته به کانون مرکزی. این گونه وابستگی، در نتیجه نابرابری بین مرکز و پیرامون در مبادله کالاهای تولیدی، تمرکز قدرت اقتصادی، نوآوری، رشد اقتصادی و فعالیت تولیدی پدیدار می‌گردد.

در نظریه سرمایه‌داری بهره‌بری نیز، مناسبات خاص شهرها و روستاهای پیرامونی واقع در حوزه نفوذ آنها بدین صورت است که شهرها مرکز سکونت زمینداران بزرگ است و حوزه نفوذ زراعی روستایی با ارائه اضافه تولیدات خود، اساس تغذیه جمعیت شهری و مبادلات تجاری آنها را فراهم می‌کنند. به این ترتیب شهرها از حوزه روستایی پیرامون خود ارتزاق می‌کنند و به واسطه وجود آنها دوام می‌یابند (سعیدی، ۱۳۷۷: ۱۳۴). در این نظریه که به فنودالیسم شرقی نیز معروف است، شهر نقشی بیش از کارکرد روبنایی بر عهده ندارد و اساساً بر مبنای حوزه روستایی پیرامون خود و به خاطر آن موجودیت می‌یابند. بر این مبنا تمامی توان لازم برای رشد اقتصادی و همچنین خصلت‌پذیری سیاسی و اجتماعی را از همین حوزه پیرامونی خود کسب می‌کند. بدینسان، شهرها بدون وجود این حوزه پیرامونی اهمیت اقتصادی و جمعیتی چندانی

نخواهند داشت (سعیدی، ۱۳۸۰: ۲۵۳). اکارت اهلرس در بررسی خود درباره روند تکوین شهرهای سنتی و ماقبل سرمایه‌داری، در جمع‌بندی خود، ویژگی‌های اساسی این نوع صورت‌بندی را این چنین معرفی می‌کند که شهرها نه تنها شالوده و اساس اولیه برپایی خود را مدیون حوزه روستایی پیرامونی هستند، بلکه این حوزه از طریق مازاد تولید، اساس تغذیه جمعیت شهری را فراهم می‌سازد و درعین‌حال، بازاری برای تولیدات نهایی و یا نیمه تمام شهری بشمار می‌آید (دانشنامه جامع مدیریت شهری و روستایی، ۱۳۸۸: ۳۹۶).

با توجه به مبانی تئوریک موضوع و تحولات فضایی صورت گرفته در محدوده مورد مطالعه، می‌توان این چنین جمع‌بندی نمود که، تا قبل از انقلاب در روستاهای مورد مطالعه خصوصیات و اصول نظریه هانس بوبک حاکم بوده است. زیرا بیشتر زمین‌هایی که روستائیان روی آن کار می‌کردند متعلق به اربابان (خان‌ها) ساکن در شهر نورآباد بود و مردم در قالب نظام سهم بری روی این زمین‌ها کار می‌کردند و بخش غالب تولیدات این اراضی روانه شهر نورآباد می‌شده است. در این زمان، شهر نورآباد تقریباً همان خصوصیتی را دارا بوده است که هانس بوبک در نظریه سرمایه داری بهره‌بری خود برای شهرها برشمرده بود. یعنی؛ اولاً شهر نورآباد شالوده و اساس اولیه برپایی خود را مدیون حوزه روستایی پیرامون خود می‌باشد و این حوزه روستایی از طریق مازاد تولید، اساس تغذیه جمعیت این شهر را نیز فراهم می‌ساخته و ثانیاً شهر نورآباد محل زندگی زمیندارانی بوده که روستائیان روی زمین‌های آنان کار می‌کردند.

اما در زمان حاضر روابط و مناسبات میان سکونتگاه‌های روستایی مورد مطالعه با شهر نورآباد تغییرات زیادی یافته است و دیگر مثل سابق زمینداران بزرگ در شهر زندگی نمی‌کنند. در حال حاضر اراضی موجود در روستاهای مورد مطالعه غالباً متعلق به خود روستائیان می‌باشد که یا خود روی آن کار می‌کنند و یا این که آن را به دیگر ساکنان روستایی و شهری اجاره می‌دهند. هر چند که محصولات تولیدی روستاهای مورد مطالعه هنوز هم روانه شهر نورآباد می‌شود اما این جریان، نه به دلیل حضور مالکان اراضی روستایی در شهر، بلکه به علت شکل‌گیری روابط و تعامل اقتصادی میان آنها و شهر نورآباد است. به عبارت دیگر این روابط نابرابر میان مرکز و پیرامون است که تولیدات روستایی را به سمت مرکز شهر می‌کشاند و نه مناسبات میان مالک و رعیت. در حال حاضر، شهر نورآباد به عنوان یک مکان مرکزی مسلط نسبت به روستاها و

سکونتگاه‌های پیرامون به ایفای نقش می‌پردازد و خدمات و کالاهای مورد نیاز این سکونتگاه‌ها را فراهم می‌نماید. همچنین برخی از روستاهای مورد مطالعه اگرچه بخشی از خدمات و کالاهای مورد نیاز خود را از شهر نورآباد تهیه می‌کنند، اما نسبت به روستاهای پیرامون خود یک مکان مرکزی محسوب می‌شوند و کالاها و خدمات خود را در راستای رفع پاره‌ای از نیازهای ساکنان این روستاها عرضه می‌نمایند. بر این اساس بکارگیری نظریه مکان‌های مرکزی می‌تواند تبیین گر روابط و تعامل میان روستاهای مورد مطالعه با شهر نورآباد باشد. از سوی دیگر، به علت قرارگیری روستاهای مورد مطالعه در حاشیه شهر نورآباد، میان این سکونتگاه‌ها و شهر نورآباد، مناسباتی از نوع مرکز - پیرامون شکل گرفته است و به علت اینکه روستاهای مذکور تولید کننده مواد خام هستند، هنوز هم روابط میان آنها نابرابر و به نفع مرکز (شهر نورآباد) تمام می‌شود. بنابراین تحقیق حاضر سعی دارد با توجه به نظریه های مکان مرکزی و مرکز - پیرامون به بررسی تحولات صورت گرفته در روستاهای مورد مطالعه بپردازد.

۴. تحولات فضایی روستاهای مورد مطالعه

۴-۱. تحولات محیطی - اکولوژیک

از مهمترین ابعاد تحولات محیطی - اکولوژیک در روستاهای مورد مطالعه، می‌توان به تهدیدات زیست محیطی از قبیل ورود فاضلاب‌ها و زباله‌های خانگی، صنعتی و شیمیایی به محیط‌های روستایی اشاره کرد که این مسئله باعث آلودگی منابع آب و خاک در برخی از این روستاها شده است. از مهمترین روستاهای مورد مطالعه که از این طریق آسیب دیده‌اند می‌توان روستاهای شیراسپاری، گچگران، شهرک گچگران، گاوشاخی، اسلام آباد و رودریا را نام برد. روستاهای مذکور به علت قرار گیری در حاشیه رودخانه دروغزن (کتی)، با توجه به ورود فاضلاب‌های شهرک صنعتی نورآباد به این رودخانه، در معرض خطرات جدی زیست محیطی قرار دارند. چرا که در شهرک صنعتی مورد اشاره واحدهای شیمیایی و رنگ سازی نیز مشغول به فعالیت می‌باشند. توضیح بیشتر این که، در سال ۱۳۸۶ به علت ورود مواد شیمیایی حاصل از کارخانه‌های واقع در شهرک صنعتی نورآباد تمامی آبزیان موجود در رودخانه دروغزن از بین رفتند و شبکه بهداشت شهرستان با توزیع اطلاعیه‌ای نسبت به استفاده محصولاتی که از طریق آب رودخانه دروغزن آبیاری شده بودند هشدار داد. از آن سال کارخانه‌های شیمیایی مستقر در شهرک صنعتی موظف شدند فاضلاب‌های خود را به مخازن مخصوصی انتقال داده و سپس به شیوه های اصولی دفع نمایند.

از دیگر تحولات زیست محیطی در روستاهای مورد مطالعه، به آلودگی محیط برخی از این روستاها مانند روستاهای باجگاه و رازیانه کاری به زباله‌های خانگی شهری اشاره کرد که به علت نبود نظارت صحیح زباله‌های شهری پس از جمع آوری در حاشیه روستاهای مذکور رها شده و مشکلاتی را برای روستاها بوجود آورده است.

بخش دیگری از تحولات محیطی- اکولوژیک روستاهای مورد مطالعه، به علت کاهش سطح آب‌های زیرزمینی در اثر افزایش بهره برداری‌های شهری در سال‌های گذشته صورت گرفته است. به گفته کشاورزان محلی در اوایل دهه گذشته در اکثر نقاط دشت نورآباد با حفر چاه به عمق ۲۰ الی ۳۰ متر امکان بهره‌برداری از آب‌های زیرزمینی وجود داشت ولی در حال حاضر سطح آب‌های زیر زمینی این دشت در اعماق بیشتر از ۷۰ متر قرار دارد. این تغییرات باعث گردیده تا سطح زیر کشت برخی از محصولات با نیاز آبی بالا مانند برنج به شدت کاهش یافته و محصولات دیگری مانند ذرت و گندم جایگزین گردد. البته این تغییرات بیشتر در روستاهای گچگران، شهرک گچگران و شیراسپاری قابل ملاحظه می‌باشد. بر همین اساس تغییرات سطوح زیر کشت محصول برنج در این روستاها را بررسی نموده ایم که نتایج آن در جدول ذکر شده است.

جدول ۲. تغییرات سطوح زیر کشت محصول برنج در روستاهای گچگران، شهرک گچگران و شیراسپاری

نام روستا	سطح زیر کشت محصول برنج (هکتار)		
	سال ۸۰	سال ۸۵	سال ۸۸
گچگران	۱۱۵	۹۰	۵۵
شهرک گچگران	۹۰	۵۲	۲۶
شیراسپاری	۳۵	۲۸	۱۵

مأخذ: جهاد کشاورزی شهرستان ممسنی

۴-۲. تحولات اقتصادی

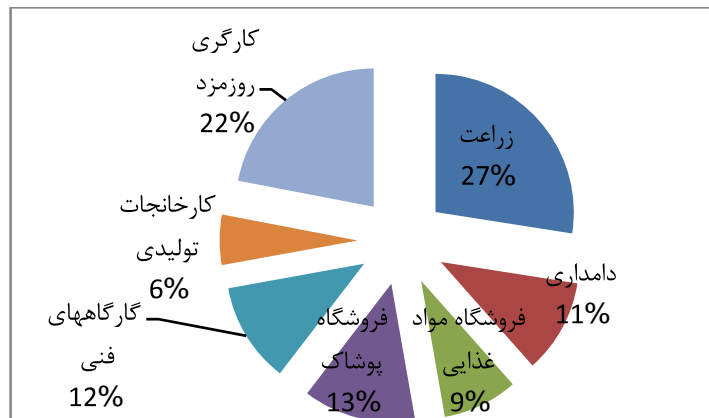
برای بررسی تحولات اقتصادی، عواملی از قبیل شیوه‌های فعالیت و اشتغال، قیمت اراضی روستایی و نظام تولیدی روستاهای مورد مطالعه مورد بررسی قرار گرفته اند؛

۴-۲-۱. شیوه‌های فعالیت و اشتغال

در گذشته شیوه فعالیت در روستاهای مورد مطالعه به علت برخورداری از زمینه‌های مساعد محیطی، غالباً کشاورزی و دامداری و امور مربوط به آن بوده است و به ندرت می‌توانستیم شاهد مشاغل مربوط به بخش‌های دوم و سوم اقتصادی یعنی صنعت و خدمات باشیم اما طی دو دهه اخیر به ویژه در ده سال گذشته از میزان

شاغلان این بخش کاسته شده و به مراتب بر تعداد افراد مشغول به فعالیت در بخش‌های دوم و سوم افزوده شده است.

تا اوایل دهه جاری، بخش کشاورزی در تمامی روستاهای مورد مطالعه، فعالیت غالب بوده است. به طوری که فعالیت اصلی ۳۶ درصد از خانوارها به بخش زراعت، ۲۲ درصد به باغداری و ۱۴ درصد به دامداری اختصاص داشته است و تنها ۲۸ درصد به سایر فعالیت‌ها اشتغال داشته‌اند اما در حال حاضر طبق بررسی‌های انجام شده و نتایج حاصل از پرسش‌نامه، فعالیت اصلی ۲۷ درصد خانوارها زراعت، ۱۰ درصد دامداری و ۶۳ درصد بقیه فعالیت‌های غیر کشاورزی می‌باشد (شکل ۱).



شکل ۱. نمودار فعالیت اصلی خانوار در روستاهای مورد مطالعه به تفکیک نوع فعالیت
مأخذ: مطالعات میدانی نگارنده، تابستان ۱۳۸۹

نکته قابل توجه اینکه فعالیت‌های باغداری در روستاهای مورد مطالعه تقریباً از بین رفته است و فقط در بعضی روستاها باغ‌هایی به شکل خیلی محدود به شکل معیشتی به چشم می‌خورد که در درآمدهای خانوار روستایی نقشی ندارند. در مجموع بیشترین باغات در گذشته در روستاهای آبیان، شیراسپاری، سراب بهرام، تل ریزی عالیوند و خومه زار سفلی قرار داشته‌اند که به شرح زیر تغییر یافته‌اند:

- در روستای شیراسپاری بخشی از اراضی باغی به شهرک صنعتی اختصاص یافته و در بخشی نیز توسط یک سرمایه گذار شهری مجموعه تالار و رستوران جهت برگزاری جشن‌های عروسی احداث گردیده است.

- در روستای سراب بهرام تبدیل به اراضی زراعی تبدیل گردیده است و غالباً به زیر کشت محصولاتی مانند گندم و ذرت می‌روند.

- در روستاهای آبیان و تل ریزی عالیوند تبدیل به اراضی زراعی گردیده است و غالباً به زیر کشت محصولاتی مانند برنج می‌روند.

- در روستای خومه زار سفلی هم کاملاً تبدیل به کاربری های مسکونی گردیده است. از دیگر تغییراتی که در سال‌های اخیر در زمینه شیوه فعالیت روی داده است می‌توان به چگونگی آماده سازی اراضی برای کشت می‌باشد. به طوری که در گذشته این کار با استفاده از حیوانات و ابزارهای دست ساز و به کمک نیروی انسانی انجام می‌شده ولی در حال حاضر این کار غالباً توسط ماشین‌های کشاورزی و ابزار آلات مکانیزه صورت می‌گیرد. در حال حاضر فقط نشاکاری محصول برنج به شیوه سابق انجام می‌گیرد و در بقیه موارد از قبیل: درو کردن، بذریاشی، کود پاشی، سم پاشی به وسیله ماشین صورت می‌گیرد. البته در روستاهایی مانند گچگران، شهرک گچگران، سراب بهرام، شیراسپاری، رازیانه کاری و خومه زار سفلی شیوه‌های آبیاری جدید (آبیاری بارانی) در چند سال اخیر مورد استفاده قرار گرفته و روز به روز در حال گسترش است.

۴-۲-۲. قیمت اراضی روستایی

در بررسی تغییرات قیمت اراضی نیز، بر اساس نتایج بدست آمده، در تمامی روستاهای مورد مطالعه قیمت اراضی روستایی افزایش یافته است، که میزان این افزایش قیمت در برخی روستاها بسیار زیاد و در برخی روستاها کمتر بوده است. به طور کلی افزایش قیمت اراضی در این روستاها با سه عامل فاصله از شهر، فاصله از راه‌های ارتباطی اصلی و رشد فیزیکی روستا در ارتباط می‌باشد. به طوری که در روستاهای واقع شده بر سر راه ارتباطی نورآباد-کازرون - شیراز و یا نزدیکتر به شهر بیشترین افزایش قیمت را شاهد هستیم و از این نظر روستاهای بزرگ تر نیز افزایش قیمت بیشتری را نسبت به روستاهای کوچکتر داشته‌اند.

از آنجا که فاصله از شهر در بین عوامل مذکور دارای اهمیت بیشتری بوده، با استفاده از اطلاعات پرسش‌نامه به استخراج اطلاعات مربوطه پرداخته‌ایم که بر اساس آن میانگین فواصل روستاهای مورد مطالعه تا شهر ۶ کیلومتر می‌باشد. در این میان روستاهای خومه زار علیا و سفلی به ترتیب با: ۱۳ و ۱۲ کیلومتر فاصله دورترین روستاها و روستای گچگران و شهرک گچگران به ترتیب با: ۳/۷ و ۳/۸ کیلومتر نزدیکترین روستاها نسبت به شهر نورآباد می‌باشند.

از نظر دسترسی به راه‌های ارتباطی، تمامی روستاهای مورد مطالعه به راه‌های ارتباطی اصلی دسترسی خوبی دارند. میانگین فاصله روستاهای مورد مطالعه از راه‌های ارتباطی اصلی ۲/۳ کیلومتر می‌باشد. به طوری که روستاهای خومه زار علیا و سفلی، رازیانه کاری، سراب بهرام، شیراسپاری و باجگاه دقیقاً بر سر راه ارتباطی نورآباد - شیراز - کازرون قرار دارند. فاصله دقیق روستاهای مورد مطالعه تا جاده ارتباطی نورآباد - شیراز - کازرون و همچنین شهر نورآباد در جدول زیر آمده است.

جدول ۳. فاصله روستاهای مورد مطالعه از جاده ارتباطی نورآباد- شیراز- کازرون و شهر نورآباد(به کیلومتر)

ردیف	آبادی	فاصله از شهر	فاصله از راه ارتباطی اصلی	ردیف	آبادی	فاصله از شهر	فاصله از راه ارتباطی اصلی
۱	ابیان	۶/۶	۱/۶	۱۱	سنگرعلیا	۶	۰/۸
۲	اسلام آباد	۴	۵	۱۲	شهرک گچگران	۳/۸	۰/۴
۳	تل ریزی عالیوند	۵	۵/۵	۱۳	شیراسپاری	۵	۰
۴	تل سیاه	۵	۵/۵	۱۴	قلعه پیرو	۵/۵	۵/۵
۵	خومه زارسفلی	۱۲	۰	۱۵	گاوشاخی	۴	۵
۶	خومه زارعلیا	۱۳	۱	۱۶	گچگران	۳/۷	۰/۷
۷	رازپانه کاری	۱۰/۸	۰/۱	۱۷	مشتگان	۴	۶
۸	رودریا	۴	۵	۱۸	باجگاه	۴/۵	۰
۹	سراب بهرام	۶	۰	۱۹	حجت آباد	۵/۵	۱
۱۰	سنگرسفلی	۶/۳	۱/۱	میانگین		۶	۲/۳

مأخذ: مطالعات میدانی نگارنده، تابستان ۱۳۸۹

۴-۲-۳. نظام تولیدی

جهت بررسی نظام تولیدی در روستاهای پیرامون شهر نورآباد، عواملی از قبیل محصولات تولیدی عمده هر روستا و نظام‌های بهره برداری و مشخصات مالکیت اراضی را مورد مطالعه قرار داده‌ایم.

در گذشته به علت معیشتی و خود مصرفی بودن فعالیت‌های کشاورزی، محصولاتی از قبیل: گندم، جو، برنج، نخود، لوبیا، عدس، ماش، یونجه و صیفی جات در تمامی این روستاها تولید می‌شده و به مصرف خود خانوارها می‌رسیده است. به عبارت دیگر هر بهره بردار تمامی نیازهای خانوار خود را تولید می‌کرد. اما در حال حاضر، به علت تأثیرات ناشی از تعامل با شهر و تبدیل کشاورزی از حالت معیشتی به غیر معیشتی، از یک طرف تنوع محصولات کاهش یافته و در هر روستا فقط تعدادی از این محصولات کشت می‌شود و از طرف دیگر سطح زیر کشت محصولات باقی مانده، به علت کاهش تنوع محصولات، افزایش یافته است. به عنوان مثال کشاورزی که ۵ هکتار زمین در اختیار داشته است، در گذشته اگر می‌خواست ۵ نوع محصول در آن کشت کند، به طور میانگین به هر محصول ۱ هکتار زمین اختصاص می‌یافت ولی اگر همین زمین را بخواهد به زیر کشت ۲ نوع محصول زراعی ببرد، به هر محصول ۲/۵ هکتار زمین می‌رسد. بنابراین ضمن کاهش تنوع محصول در روستاهای مورد مطالعه، سطح زیر کشت این محصولات افزایش یافته است.

معیشتی بودن کشاورزی روستاهای مورد مطالعه در دهه‌های گذشته به این معناست که هدف از تولید رفع نیازهای خانوار بوده و احياناً بخشی از آن هم با سایر کالاهای مورد نیاز خانوار به صورت پایاپای مبادله می‌شده است. اما در حال حاضر ممکن است خانواری که محصول تولیدی عمده آن گندم باشد، خود خانوار نیازی به گندم نداشته باشد و تمامی آن را به فروش برساند. بنابراین یکی دیگر از دلایل خارج شدن کشاورزی روستاهای مورد مطالعه از حالت معیشتی همین مسئله تولید بر اساس تقاضای بازار می‌باشد.

از لحاظ نظام‌های بهره‌برداری، نظام‌های خرده مالکی (خانوادگی) و سهم بری را می‌توان نظام‌های غالب در نظام تولیدی روستاهای مورد مطالعه در گذشته دانست. به طوری که تا اوایل دهه جاری هم نظام های مذکور مهمترین نظام‌های بهره‌برداری در این روستاها بوده‌اند اما از اوایل دهه جاری نظام سهم بری رو به کاهش گذاشت و روز به روز از تعداد بهره‌برداران آن کاسته شده است تاجایی که در حال حاضر در این روستاها، نظام سهم بری تقریباً جای خود را به نظام بهره‌برداری اجاره‌ای داده است. از نظر مالکیت نیز، با توجه به نتایج حاصل از پرسش‌نامه، مالکیت خصوصی با ۷۶ درصد بیشترین سهم را در بین انواع مالکیت‌های موجود داراست و سایر مالکیت‌ها هم به شرح زیر است (جدول ۴). مالکیت خصوصی، شامل بهره‌برداری‌هایی است که روی اراضی خود کار می‌کنند و قانوناً مالک آن هستند. در مالکیت اجاره‌ای افراد صاحب زمین اراضی خود را در ازای مبلغ معینی در اختیار سایر افراد قرار می‌دهند که در آن فعالیت کشاورزی انجام دهد. در مالکیت تعاونی، دو یا چند بهره‌بردار که اراضی آنها در کنارهم قرار داشته است، با تشکیل تعاونی بصورت مشترک روی زمین کار می‌کنند.

جدول ۴. تعداد بهره‌برداران به تفکیک نوع مالکیت

ردیف	نوع مالکیت	درصد	حجم مالکیت (هکتار)	تعداد بهره‌بردار (نفر)
۱	خصوصی	۷۲/۴۰	۱۸۰۳	۵۶۸
۲	اجاره‌ای	۲۱/۵۱	۵۳۵	۱۶۹
۳	تعاونی	۶/۰۹	۱۵۲	۴۸
	جمع کل	۱۰۰	۲۴۹۰	۷۸۵

مأخذ: مطالعات میدانی نگارنده، تابستان ۱۳۸۹

۳-۴. تحولات اجتماعی - فرهنگی

۳-۴-۱. تحولات جمعیتی

از لحاظ تحولات تعداد جمعیت و خانوار، بیشترین رشد متعلق به روستای خومه زار و کمترین آن متعلق به روستای اسلام آباد بوده که دارای رشد منفی بوده است. روستای گاوشاخی نیز در طول ده سال گذشته از این نظر بدون تغییر بوده است. بیشتر روستاها از رشد جمعیت بالایی برخوردار بوده‌اند. به طوری که جمعیت روستاهای مذکور از سال ۶۵ تا ۸۵ به طور میانگین از رشد ۴/۴۹ درصد برخوردار بوده است که اگر روستاهای آبیان، اسلام آباد، سنگر علیا، خومه زار علیا و رودریا را در نظر بگیریم میانگین رشد جمعیت سایر روستاها به عدد ۵/۱۷ می‌رسد که رشد بسیار سریعی را نشان می‌دهد. به لحاظ ترکیب جنسی نیز تحول عمده‌ای که بوقوع پیوسته، برتری مردان به لحاظ نسبت جنسی بر زنان در سرشماری سال ۸۵ می‌باشد، در حالی که در دوره قبل از این نظر زنان بر مردان برتری داشته‌اند.

در مجموع نسبت مردان در روستاهای مورد مطالعه از ۴۸/۹۸ در سال ۷۵ به ۵۰/۵۴ در سال ۸۵ رسیده و در مقابل نسبت زنان از ۵۱/۰۲ به ۴۹/۴۶ کاهش یافته است. از نظر بعد خانوار، در تمامی روستاها به جز روستای اسلام آباد، شهرک گچگران و سنگر علیا شاهد کاهش بعد خانوار بوده‌ایم. در مجموع بعد خانوار از میانگین ۵/۴ در سال ۷۵ به ۴/۳ در سال ۸۵ کاهش یافته است.

یکی از خصوصیات اصلی نظام اقتصاد روستایی در گذشته پایین بودن بار تکفل بود. چرا که در نظام اقتصادی گذشته روستاها تمامی اعضای خانوار و حتی زنان در راستای تأمین معیشت خانوار نقشی را به عهده داشتند از این رو بار تکفل در این نظام‌های اقتصادی روستاهای مورد مطالعه بسیار پایین بود. اما در حال حاضر با توجه به تأثیرات فرهنگ شهرنشینی و ضد ارزش شمردن کار زنان در محیط‌های روستایی مورد مطالعه از یک سو و از سوی دیگر اشتغال به تحصیل فرزندان خانوارها تا سنین بالا، معمولاً وظیفه تأمین معیشت خانوار به دوش سرپرست خانوار می‌اندازد. بنابراین، در حال حاضر بار تکفل در روستاهای مورد مطالعه بیشتر از گذشته می‌باشد.

۳-۴-۲. قومیت و زبان

به لحاظ قومی و زبانی، تا دهه قبل تمامی روستاهای مورد مطالعه دارای وحدت و همگونی بوده‌اند. بگونه‌ای که زبان فارسی با گویش لری در تمامی این روستاها رایج بوده و همه آنها از یک طایفه بوده‌اند. اما از اوایل دهه جاری در برخی از روستاهای مذکور این وحدت و همگونی تضعیف گردیده است. بارزترین نمونه‌های چنین تحولی، را در روستاهای گچگران، شهرک گچگران، خومه زار سفلی و آبیان می‌توان دید. به عبارت

دیگر، تا قبل از شروع دهه جاری در روستاهای مورد مطالعه، پیدا کردن حتی یک خانوار از طوایف دیگر مشکل و گاه غیر ممکن بود، اما در حال حاضر در این روستاها می‌توان خانوارهایی از طوایف دیگر را نیز مشاهده نمود. این در حالی است که در روستاهای دیگر شهرستان شرایط متفاوت بوده و فقط در روستاهای نزدیک به شهر این پدیده را می‌توان مشاهده کرد. بر اساس اطلاعات بدست آمده از مطالعات میدانی، به طور میانگین ۱۱ درصد از خانوارهای ساکن در این روستاها از طایفه جاوید و ۲/۵ درصد از طایفه ماهور و میلانی می‌باشند که بیشترین آن متعلق به روستاهای شهرک گچگران و گچگران با ۱۸ درصد و کمترین آن به روستای تل ریزی عالیوند با ۳/۵ درصد کل خانوار بوده است. بنابراین از تحولات عمده‌ای که به لحاظ اجتماعی-فرهنگی، با تأثیرپذیری از فرهنگ شهری در روستاهای مذکور بوقوع پیوسته، می‌توان به کاهش تعارضات قومی و فراهم شدن زمینه‌های وحدت نسبی در میان طوایف مختلف شهرستان اشاره نمود.

۴-۳-۳. آداب و رسوم فرهنگی

آداب و رسوم فرهنگی و تحولات مربوط به آن چیزی نیست که خاص روستاهای مورد مطالعه این تحقیق باشد بلکه در تمامی نقاط روستایی کشور، فرهنگ سنتی و الگوهای فرهنگی روستایی تحولات عمده‌ای را به خود دیده است. روستاهای مورد مطالعه نیز از این قاعده مستثنی نبوده و طی یکی دو دهه گذشته تغییر و تحولات قابل توجهی را تجربه کرده‌اند. از مهمترین تحولات فرهنگی این روستاها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- برگزاری جشن‌ها و مراسم عروسی در تالارهای شهری و از بین رفتن رسوم سنتی مربوط به آن.
- کاهش استفاده از پوشش مخصوص لری به ویژه در بین زنان.
- کاهش تعامل اجتماعی میان افراد ساکن در روستاها و در نتیجه کاهش شناخت آنها از یکدیگر.
- تغییر در شیوه برگزاری آیین‌های مذهبی.
- رواج فرهنگ مصرف گرایی و از بین رفتن شیوه‌های سنتی در بهره برداری بهینه از منابع.
- فروپاشی الگوها و سنت‌های دیرپای معاضدت و همیاری.
- ضد ارزش شدن برخی امور مانند کار زنان، که تا دهه‌های قبل ارزش تلقی می‌شد.

۴-۴. تحولات کارکردی

تغییرات کارکردی در روستاهای مورد مطالعه، متأثر از نیازها و تقاضاهای شهری و با توجه به توسعه فیزیکی و عملکردی شهر نورآباد بوده است. به دنبال گسترش کالبدی شهر، اراضی کشاورزی روستاهای اطراف به بافت‌های مسکونی تبدیل شده و یا در اثر توسعه صنایع و سرمایه گذاری‌های صورت گرفته توسط شهرنشینان در روستاهای پیرامون شهر تعداد بهره برداران و سطح زیر کشت اراضی زراعی کاهش یافته است که این مسئله باعث ایجاد تحولاتی در کارکرد و عملکرد روستاهای مورد مطالعه داشته است. همچنین با افزایش جمعیت شهری و رشد تقاضا برای مواد غذایی، اراضی کشاورزی این روستاها، به کشت محصولات، مطابق با نیازهای شهری اختصاص یافته و سیستم کشاورزی معیشتی به کشاورزی غیر معیشتی تبدیل شده است.

با توجه به مطالعات میدانی صورت گرفته، این طور می‌توان نتیجه گیری کرد که روستاهای مورد مطالعه تا ده سال قبل تمامی آنها دارای نظام تولیدی معیشتی بوده‌اند و وابستگی کمی به شهر نورآباد و بازار آن داشته‌اند. ولی در حال حاضر اکثر این روستاها به کشت غیر معیشتی پیش می‌روند که طی آن هم نیاز خود خانوار برآورده می‌گردد و هم نیازهای بازار شهر نورآباد تأمین می‌گردد.

۴-۴-۱. تحول در نوع فعالیت

در گذشته فعالیت غالب ساکنان روستاهای مورد مطالعه، کشاورزی و دامداری بوده است، اما در حال حاضر بخش زیادی از جمعیت این روستاها در شهر نورآباد مشغول به فعالیت‌های خدماتی می‌باشند. همچنین مشاغل برخی از مشاغل غیرکشاورزی و خدماتی در این روستاها شکل گرفته و سهم فعالیت‌های کشاورزی از جمعیت فعال این روستاها رو به کاهش و در مقابل سهم فعالیت‌های خدماتی در حال افزایش است.

۴-۴-۲. تحول در روابط فضایی

روستاهای مورد مطالعه از نظر نوع و میزان روابط با سکونت‌های پیرامون و شهر نورآباد تحولاتی را پشت سر گذاشته‌اند. به نحوی که در گذشته ارتباطات بین روستایی و ارتباطات روستا - شهری بسیار کم و دارای تنوع بسیار کمتری نسبت به زمان حاضر بوده است. امروزه برخی از روستاهای مورد مطالعه به ویژه روستاهای خومه زار سفلی، قلعه پیرو و شیراسپاری در تأمین کالاها و خدمات مورد نیاز روستاهای پیرامون نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کنند و ارتباطات گسترده‌ای را با روستاهای پیرامون خود شکل داده است.

روابط فضایی موجود میان روستاهای مورد مطالعه با شهر نورآباد نیز به مراتب بیشتر و گسترده تر از گذشته می‌باشد. به طوری که این شهر برخلاف گذشته تأمین گر کالاها و خدمات مورد نیاز این سکونتگاه‌ها می‌باشد. این گسترش روابط را از حجم مراجعات ساکنان این روستاها به شهر نورآباد و یا تعامل میان این سکونتگاه‌ها و شهر نورآباد می‌توان فهمید.

۵. نتایج و یافته‌ها

در این مبحث به ابتدا به آزمون فرضیات از طریق روشهای آماری پرداخته می‌شود و سپس پیشنهاداتی در راستای یافته‌های تحقیق، جهت حل برخی از مسائل و مشکلات موجود ارائه می‌شود. برای آزمون فرضیات تحقیق ابتدا فرضیات شاخص گذاری و سپس روابط میان متغیرها مورد آزمون قرار گرفت.

جدول ۶. متغیرهای بکار رفته در فرضیه و شاخص‌های مربوطه

ردیف	عامل	شاخص
۱	تغییر معیشت	تعداد تغییر شغل از کشاورزی به مشاغل صنعتی و خدماتی
۲	تحولات فضایی	تغییر قیمت اراضی
		هزینه و درآمد خانوار
		تغییرات فرهنگی
		تغییر محل کار از روستا به شهر
		تغییر کاربری اراضی

منبع: نگارندگان

در این آزمون میان دو متغیر، تغییر نوع معیشت و تحولات فضایی محاسبه ضریب همبستگی به عمل آمد. با توجه به اینکه متغیر "تغییر نوع معیشت" دارای مقیاس فاصله‌ای و شاخص‌های متغیر "تحولات فضایی" دارای دو نوع مقیاس رتبه‌ای و فاصله‌ای بودند از دو نوع آزمون همبستگی استفاده شد که از آزمون پیرسن برای سنجش همبستگی میان متغیرهای فاصله‌ای و از آزمون اسپیرمن برای سنجش همبستگی میان متغیرهای فاصله‌ای - رتبه‌ای استفاده شد.

جدول ۸. نتایج آزمون همبستگی میان متغیرهای تغییر نوع معیشت و تحولات فضایی

تغییر نوع معیشت			شاخص	تحولات فضایی
تعداد	Sig	ضریب همبستگی		
۱۹	۰/۰۰۰	۰/۲۲۲	تغییر قیمت اراضی	
۱۹	۰/۰۱۳	۰/۷۱۵	هزینه و درآمد خانوار	
۱۹	۰/۰۰۰	۰/۵۶	تغییرات فرهنگی	
۱۹	۰/۰۰۰	۰/۶۷۹	تغییر محل کار از روستا به شهر	
۱۹	۰/۰۰۰	۰/۳۰	تغییر کاربری اراضی	

منبع : محاسبات نگارنده

همان طور که در جدول (۸) مشاهده می‌شود، میان تغییر نوع معیشت و تحولات کالبدی- فضایی در روستاهای مورد مطالعه نیز رابطه معنا داری و مستقیمی وجود دارد. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد در روستاهایی که تغییر نوع معیشت بیشتر بوده، تحولات فضایی بیشتری صورت گرفته و برعکس در روستاهایی که میزان تغییر نوع معیشت کمتر بوده، تحولات فضایی کمتری بوقوع پیوسته است. همچنین بر اساس نتایج حاصله، بیشترین میزان همبستگی، میان متغیر تغییر نوع معیشت و شاخص تغییر الگوی مسکن و کمترین آن میان تغییر نوع معیشت و شاخص‌های تغییر قیمت و کاربری اراضی بوده است. بنابراین فرض اول تحقیق مبنی بر تأثیر تغییر شیوه معیشت در تحولات فضایی روستاهای مورد مطالعه به اثبات می‌رسد و فرض دوم نیز در بخش تحولات روستاها به کمک اعداد و ارقام مربوطه اثبات گردید و نشان داده شد که روستاهای نزدیک به شهر تحولات بیشتری را پشت سر گذاشته‌اند.

۶. نتیجه‌گیری

تأثیرات ناشی از تعامل روستا - شهری در منطقه مورد مطالعه به اشکال مختلفی از قبیل تحولات زیست محیطی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، کالبدی و فضایی ظهور و بروز یافته است اما آنچه از برآیند این تغییر و تحولات حائز اهمیت و قابل توجه است، این مسئله می‌باشد که تأثیرات ناشی گسترش شهر نورآباد و تحولات فضایی آن در تمامی روستاهای مورد مطالعه به یک اندازه نبوده و نیست.

به طور کلی و براساس میزان تغییر و تحولات صورت گرفته، روستاهای مورد مطالعه را می‌توان به سه دسته به شرح زیر تقسیم بندی نمود :

گروه اول : روستاهایی که در مسیر تغییر و تحولات مثبت قرار گرفته و توانسته‌اند علی‌رغم تضعیف برخی از جنبه‌های مثبت سابق، در بسیاری از زمینه‌های دیگر دست به توسعه بزنند و به یک کانون زیستی پر رونق تبدیل گردند. شامل روستاهای خومه زار

سفلی، رازیانه کاری، شیراسپاری، گچگران، قلعه پیرو، باجگاه و شهرک گچگران. این روستاها تماماً روستاهایی را شامل می‌گردد که از نظر دسترسی نسبت به شهر در وضعیت مناسبی قرار داشته‌اند.

گروه دوم: مشتمل بر روستاهایی است که گرچه نتوانسته‌اند به جایگاه روستاهای اول دست یابند ولی دارای رشد قابل قبولی بوده و در حال رشد و گسترش تدریجی‌اند. شامل روستاهای سرآب بهرام، تل ریزی عالیوند، تل سیاه، مشتگان و حجت آباد. این روستاها نیز از وضعیت دسترسی نسبتاً مناسبی نسبت به شهر برخوردار می‌باشند اما پاره‌ای عوامل دیگر باعث گردیده که این روستاها نتوانند آن چنان که باید دست به رشد و توسعه بزنند. مثلاً در روستای سرآب بهرام گسترش فضاهای نظامی و انتظامی را می‌توان در این امر دخیل دانست و یا این که در روستای حجت آباد، حضور مرکز قوی تری به نام باجگاه توانسته است از میزان جریان‌ات وارده به حجت آباد و یا گسترش آن تا حدودی بکاهد.

گروه سوم: روستاهایی که ضمن تغییر و تحولات مثبت در برخی زمینه‌ها، نتوانسته‌اند آنچنان که باید و شاید رشد و گسترش یابند و کماکان با رشدی بسیار کند به حیات خود ادامه می‌دهند. شامل روستاهای آبیان، سنگر سفلی و خومه زار علیا. این روستاها همان روستاهایی هستند که دقیقاً در همجواری آنها سکونتگاه بزرگتری با خدمات و امکانات بیشتر وجود دارد.

گروه چهارم: نیز در برگزیده روستاهایی است که نتوانسته‌اند در مسیر و فرآیند توسعه قرار گیرند و در حال حاضر هم رو به زوال و نابودی می‌روند و انتظار می‌رود تا دهه‌های آتی بسیار ضعیف تر و حتی خالی از سکنه گردند. شامل روستاهای سنگر علیا، اسلام آباد، رودریا و گاوشاخی.

طبقه بندی فوق که بر اساس واقعیت‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی روستاهای مذکور صورت گرفته است، نشان می‌دهد که تأثیر تعامل روستا-شهری و یا تأثیرات حاصل از شهر بر روستاهای پیرامون در جاهای مختلف به صور گوناگونی ظهور و بروز می‌یابد. به عبارت دیگر، هر فضای جغرافیایی دارای مجموعه‌ای از شرایط و عوامل می‌باشد و همین شرایط و عوامل‌اند که در نهایت تعیین کننده این واقعیت خواهند بود که تأثیرات ناشی از شهر و تعامل روستا - شهری در راستای رشد و توسعه سکونتگاه روستایی و یا در جهت تضعیف آن عمل نماید. چنانچه در روستاهای مورد مطالعه نیز شاهد چنین فرآیندی بودیم. مثلاً روستای خومه زار سفلی علی رغم بیشترین فاصله از شهر نسبت به سایر روستاها، توانسته به یکی از پررونق‌ترین کانون‌های روستایی شهرستان تبدیل گردد. مسلماً در شکل‌گیری چنین مکانیسمی نه تنها محیط و عوامل

طبیعی، اجتماعی و اقتصادی تأثیر گذار بوده است، بلکه می‌توان نقش عوامل بیرونی دیگری نظیر تصمیم‌گیری‌های دولتی مبنی بر تجمیع چندین روستای آسیب دیده از زلزله سال ۶۵ هرایز و اسکان آنها در دشت خومه زار را به وضوح ملاحظه نمود که بازتاب فضایی همه این عوامل در رشد و توسعه روستای خومه زار سفلی در ده سال گذشته تبلور یافته است.

در پایان با توجه به مسائل روستاهای مورد مطالعه، در راستای بهبود تعامل آنها با شهر نورآباد و ساماندهی رشد و توسعه در این محیط‌های روستایی به ارائه پیشنهاداتی در این زمینه می‌پردازیم؛ امید است مورد توجه مسئولان و متولیان امر برنامه ریزی هم درسطوح کلان و هم در سطح محلی قرار گیرد؛

- توجه جدی به روستاهای پیرامون شهر، در طرح‌های توسعه‌ای مربوط به شهر و همچنین در نظر گرفتن مناسبات و تعامل این روستاها با شهر در طرح‌های روستایی، با توجه به تأثیرگذاری قابل توجه این روستاها بر حیات شهر و همچنین تأثیر پذیری شدید آنها از شرایط حاکم بر شهر.

- بسترسازی‌های لازم برای ساماندهی اقتصادی روستاهای مورد مطالعه، به ویژه در روستاهای آسیب پذیرتر؛ مانند روستاهایی سنگر علیا، اسلام آباد، رودریا و گاوشاخی، آبیان، سنگر سفلی و خومه زار علیا.

- عدم اکتفا به برنامه‌های یک سوپه نگر؛ مانند طرح‌های هادی اجرا شده در این روستاها و توجه جدی به توسعه پایدار روستاهای مذکور در ابعاد مختلف. لازم به ذکر است طرح‌های هادی اجرا شده در برخی از این روستاها به رسالت خود مبنی بر اصلاح کالبدی نیز عمل نکرده‌اند و هنوز هم شبکه معابر این روستاها در وضعیت نامناسبی قرار دارند.

- توجه به مسائل زیست محیطی روستاهای مورد مطالعه و جلوگیری از استقرار تأسیسات شهری در اراضی مستعد کشاورزی این روستاها.

- برنامه‌ریزی در راستای تقویت سنت‌های ارزشمند همیاری سنتی و جلوگیری از نابودی این سنت‌ها.

۷. منابع

۱. اهلرز، ا (۱۳۸۰)، ایران (شهر - روستا - عشایر)، ترجمه عباس سعیدی، تهران، نشر منشی.
۲. بلیکی، ن (۱۳۸۴)، طراحی تحقیق‌های اجتماعی، ترجمه حسن چاوشیان، نشر نی، چاپ اول، تهران.
۳. دولفوس، (۱۳۶۹)، فضای جغرافیایی، ترجمه دکتر سیروس سهامی، نشر نیکا، چاپ اول.
۴. س.ک موزر وج.کالتون (۱۳۷۴)، روش تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه کاظم ایزدی، نشر کیهان، چاپ چهارم، تهران.
۵. سازمان دهیاری‌ها و شهرداری‌های کشور (۱۳۸۸)، دانشنامه جامع مدیریت شهری و روستایی.
۶. سعیدی، ع (۱۳۸۴)، مبانی جغرافیای روستایی، انتشارات سمت، چاپ پنجم.
۷. سعیدی، ع (۱۳۸۸)، سطح بندی روستاهای کشور، معاونت عمران روستایی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، انتشارات شهیدی، چاپ اول.
۸. سعیدی، ع و حسینی حاصل، ص (۱۳۸۸)، شالوده مکان یابی واستقرار روستاهای جدید، نشر شهیدی، تهران.
۹. سعیدی، ع (۱۳۸۸)، الگوهای خدمات رسانی روستایی، انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران.
۱۰. سعیدی، ع (۱۳۸۲)، روابط شهر و روستا و پیوندهای روستایی - شهری یک بررسی ادراکی، مجله انجمن جغرافیای ایران، سال اول، شماره ۱.
۱۱. سعیدی، ع (۱۳۷۵)، ضرورت آرایش مکانی - فضایی سکونتگاه‌های روستایی، مجموعه مقالات ساماندهی روستاهای پراکنده.
۱۲. شکوهی، ح (۱۳۷۹)، دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، انتشارات سمت، تهران.
۱۳. مرکز آمار ایران (۱۳۸۲)، سرشماری عمومی کشاورزی.
۱۴. مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۵۵، ۶۵، ۷۵ و ۸۵، شهرستان ممسنی. مرکز آمار ایران (۱۳۸۱)، سرشماری عمومی کارگاهی کشور.
- 15-Friedmann, J. Globalization and the Emerging Culture of Planning. University of British Columbia, 2005.
- 16-Friedmann, J. Regional Development Policy: A Case Study of Venezuela. Cambridge, 1966
- King, J., Leslie, Central place theory; a reinterpretation, Published by SAGE Publications, 1984
- 17-Lynch, K., Rural-urban Interaction in the Developing World, Routledge, London and New York, 2005.
- 18-Slater, D., Colonialism and the spatial structure of underdevelopment: outlines of an alternative approach, with special reference to Tanzania. Progress in planning 4, part v, 149-159, 1974
- 19-Tacoli, Cecilia, Bridging the divide: Rural-urban Interactions and livelihood Strategies, international institute for environment and development, Gatekeeper Series, no 77, 2004
- 20-J. King, Leslie, Central place theory; a reinterpretation, Published by SAGE Publications, 1984

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.